

پیام مسئول شورای ملی مقاومت درباره شکست سیاست «گفتگوی انتقادی»

هموطنان عزیز،

حامیان و پشتیبانان مقاومت در سراسر جهان،

تصمیماتی که روز ۹ اردیبهشت از سوی شورای وزیران اتحادیه اروپا اعلام شد، یک شکست سنگین برای حکومت آخوندی محسوب می شود، هرچند که خواستهای اعلام شده مقاومت ایران، یعنی قطع رابطه دیپلماتیک و تجاری با رژیم آخوندی، بازگشایی پرونده ترورهای این رژیم در کشورهای اروپایی، ارجاع تروریسم دولتی و سرکوب و نقض مستمر حقوق بشر توسط رژیم آخوندی، به شورای امنیت ملل متحد و محاکمه سردمداران این رژیم در یک دادگاه بین المللی، هم چنان به قوت خود باقی است و مقاومت ایران در راستای سرنگونی رژیم نامشروع آخوندی آنها را مجدانه پیگیری خواهد کرد.

تصمیمات شورای وزیران اتحادیه اروپا هم چنین به منزله بطلان رسمی سیاست گفتگوی انتقادی، یکی از خواستهای مصرانه مقاومت ایران در سالهای اخیر، است. به همین دلیل رئیس جمهور برگزیده مقاومت در نخستین موضعگیری خود، اتخاذ این تصمیمات را **به منزله تصدیق حقانیت مواضع مقاومت ایران از سوی اتحادیه اروپا** دانست و موفقیت اعضا و فعالان مقاومت را در به کرسی نشاندن خواست مردم و مقاومت ایران به آنان و به عموم هموطنان تبریک گفت.

هم چنین بی سبب نبود که حکومت آخوندی، به محض مطلع شدن از تصمیمات اتحادیه اروپا، علیه مقاومت ایران افسار پاره کرد و ظهر روز ۹ اردیبهشت **کمیسیون خارجی مجلس رژیم** با صدور بیانیه یی اعلام کرد: «اروپا مرکز پشتیبانی، تأمین مالی، تبلیغاتی و آموزشی گروههای تروریستی مسلحی است که با عملیات نظامی از درون خاک عراق... مزاحم امنیت ملی ایران و شهروندان مرزی هستند» و «اعضای جنایتکار این گروهکها، که در دادگاههای جمهوری اسلامی ایران محکوم شده اند، باید توسط دولتهای عضو اتحادیه اروپا تعقیب، بازداشت و به جمهوری اسلامی ایران تحویل شوند».

همزمان وزیر اطلاعات رژیم گفت: «کشورهای اروپایی که ایران را متهم به نقض قوانین بین المللی می کنند، خود به تروریستها پناه داده اند». روز بعد ولایتی، وزیر خارجه رژیم، به صحنه آمد و گفت: «برخی از همین کشورهای اروپایی برای تروریستهای شناخته شده یی که ترورهای مختلفی را در ایران به عهده گرفته اند، پناه امنیتی ایجاد کرده اند».

**جیغ و دادهای خشمگینانه حکومت آخوندی و این موازنه خفت بار،** به وضوح مبین **نشان دهنده** درماندگی آشکار رژیم در برابر مقاومت و اذعان آخوندها به سر چشمه مشکلاتشان در صحنه سیاسی است. چرا که این مقاومت راه را بر باج خواهی تروریستی و هم چنین بر استمرار مامشات و سازش بسته و حرف حق ملت ایران را پیروزمندانه به کرسی نشانده است. آن چنان که در آستانه تشکیل اجلاس وزیران خارجه اتحادیه اروپا، رئیس کمیسیون پارلمانی این اتحادیه اعلام کرد که «گفتگوی انتقادی واژه یی بی معنی است. با قاتلان و آدمکشان نمی توان به گفت و شنود نشست». سپس شورای وزیران تصریح کرد که «هیچ پایه و اساسی برای ادامه سیاست گفتگوی انتقادی با (رژیم) ایران وجود ندارد». اتحادیه اروپا هم چنین تعلیق دیدارهای رسمی وزیران، ممنوعیت فروش سلاح به رژیم آخوندی، ندادن ویزا به عوامل اطلاعاتی و امنیتی این رژیم و اخراج پرسنل اطلاعاتیش از کشورهای عضو اتحادیه اروپا را اعلام کرد و با تأکید بر التزامات رژیم آخوندی نسبت به قطعنامه های بین المللی، از جمله تعهدات مربوط به عدم گسترش سلاحهای کشتار جمعی و مراعات حقوق بشر، خاطر نشان ساخت که این رژیم باید میثاق مربوط به ممنوعیت سلاحهای شیمیایی را بپذیرد. اتحادیه اروپا از کشورهای اروپای مرکزی و شرقی، کشورهای عضو قرارداد تجارت آزاد اروپا و کشورهای عضو منطقه اقتصادی اروپا دعوت کرد که خود را با تصمیمهای اتحادیه اروپا همسو نمایند.

نباید از یاد برد که این نتایج و در رأس همه آنها، در هم شکستن و پایین کشیده شدن رسمی سیاست «گفتگوی انتقادی»، به سادگی حاصل نشده است. همه می دانند که بسیاری از محافل و دوائر اروپایی و صاحبان منافع اقتصادی که به گفته خبرگزاری هلند، در سال ۹۵ متجاوز از ۲۶ میلیارد دلار با ایران تحت حاکمیت آخوندها بده بستان داشتند، با تمام قوا و تا

آخرین لحظه برای برپا نگاهداشتن سیاست «گفتگوی انتقادی» ایستادگی کردند. آن قدر که تا آخرین روزهای قبل از اجلاس لوکزامبورگ، ما از آنها می پرسیدیم «به راستی چند هزارتن دیگر باید در داخل ایران اعدام شوند و چند صد تن دیگر در خارج ایران باید توسط تروریستهای اعزامی از تهران به قتل برسند تا اتحادیه اروپا... متقاعد شود که دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران اهل هیچ گونه گفتگوی انسانی نیست؟» و در هر فرصتی فریاد می زدیم که «حرف ۷۰ میلیون مردم ایران با اعضای اتحادیه اروپا این است که بایستی سیاست گفتگو انتقادی را برای همیشه کنار

گذارند، زیرا این سیاست عملاً به مفهوم نوازش رژیم قرون وسطایی ملایان حاکم بر ایران و جری تر کردن سردمدارانش در ادامه سرکوب و تروریسم علیه ملت ایران است و نتیجه اش طولانی تر کردن عمر حکومت جلادان تهران می باشد»؛ و از وزیران خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا می پرسیدیم که «در این وضعیت چگونه می توان ادامه گفتگو را توجیه نمود؟ اگر مقصود رابطه با مردم ایران است، که این رژیم نامشروع هرگز مردم ایران را نمایندگی نمی کند و این گونه

روابط تماماً علیه منافع آنهاست و آنها از این گونه روابط منزجرند. اما اگر مقصود حکام ایران است، بهتر است حساب مردم و کشور ایران از ملایان جنایتکار جدا شود».

بر کسی پوشیده نیست که مقاومت ایران از فردای ۳۰ خرداد و اعلام عدم مشروعیت رژیم آخوندی، همواره خواهان تحریم نفتی و تسلیحاتی رژیم و قطع رابطه دیپلماتیک با آن بوده است. اما در آستانه بالا رفتن پرچم سیاست «گفتگو انتقادی» در سال ۹۲، یعنی در شرایطی که مقدمات پختن چنین آشی علیه عالیتیرین مصالح مردم ایران تدارک دیده می شد، از سوی مقاومت عادلانه مردم ایران برای صلح و آزادی، از اجلاس وزیران جامعه اروپا به جد درخواست کردم که «ضمن محکوم کردن کشتار و سرکوب مردم به پا خاسته ایران، به تحریم نفتی و تسلیحاتی و قطع روابط دیپلماتیک با این رژیم ضدبشری مبادرت ورزند» (۲۵ خرداد ۷۸).

اما چه می توان کرد که به گفته «تجار محترم»، «تجارت، تجارت است» و کاری با اصول و مصالح عالی يك ملت اسیر ندارد و نبایستی داشته باشد. آخوندهایی هم که در ژنو و رم، استانبول، پاریس، برلین و... خون می ریختند، با منطق تجار زمانه خوب آشنایی داشتند. در همین رابطه بود که مثلاً ایتالیا در نیمه شهریور ۷۴، توافقنامه یی را جهت به تعویق انداختن مهلت وامهایی که از جانب ۵۰۰ شرکت ایتالیایی به رژیم حاکم بر تهران داده شده بود و به ۲۶۰۰ میلیارد لیر (۶ / ۱ میلیارد دلار) بالغ می شد، امضا نمود. حال می توانید حدس بزنید که چرا قاتلان شهید سرفراز مقاومت ایران، محمد حسین نقدی، نماینده شورا در ایتالیا، تا این لحظه از مکافات جنایت مصون مانده اند.

نمونه دردناک دیگر مربوط به آلمان است که، بنا به گفته وزیر اطلاعات رژیم آخوندی در مصاحبه با روزنامه رسالت بعد از صدور حکم دادگاه برلین، سرویسهای اطلاعاتی همکاری بسیار مؤثری با **وزارت اطلاعات** آخوندها داشته اند. به گفته فلاحیان، «به رغم فشار آمریکا و صهیونیسم و ضد انقلاب»، آلمان تسلیم نشد و «این همکاری ادامه یافت». علاوه بر این، چنان کهدر کنفرانس اخیر مسئول کمیسیون خارجه شورا در بروکسل فاش گردید، نفرات وزارت اطلاعات رژیم در آلمان آموزشهای حرفه یی می دیدند. سازمان صنایع رژیم نیز در دوسلدروف دفتری دایر کرده بود تا در خریدهای تسلیحاتی دست کاملاً باز داشته باشد. آخر، چنان که رادیو آلمان در تفسیر روز ۲ اردیبهشت ۷۶ اعلام کرد، «۱۲۰ شرکت و کارخانه آلمانی در تجهیز نظامی ملاحا شرکت دارند». شگفت این که برخی شرکتهای فرانسوی، آلمانی و سویسی در **تهیه سلاحهای** شیمیایی و بیولوژیک به رژیم کمک می کنند.

بر روز ۲۸ فروردین تلویزیون کانال ۱ دانمارک گزارش مستندی از فروش و قاچاق اسلحه به ایران پخش نمود که **نشان می داد** چگونه از کشورهای مانند سوئد و آلمان، محموله های تسلیحاتی ظاهراً به مقصد فنلاند ارسال می شد، ولی از ایران سر در می آورده است. آیا بین برخی **لجن پراکنیهای** رذیلانه مطبوعاتی در سوئد علیه مقاومت ایران با تجهیز نظامی رژیم آخوندی و منافع کلان اقتصادی **ناشی از آن**، رابطه یی هست؟ **جواب بی تردید مثبت است.** اخیراً يك مدیرکل پیشین دولت اتریش فاش نمود که آخوندهای حاکم بر ایران ۸ سال پیش، بعد از ترور قاسملو در وین، دولت اتریش را به قطع منافع کلان اقتصادی تهدید کرده بودند. از این رو در اتریش به گونه یی رفتار شد که «متهمان به قتل امکان یافتند فرار کنند».

از رفتار منزجرکننده دولت فرانسه درباره تحویل ۲ تن از قاتلان برادرم، کاظم رجوی، به رژیم آخوندی همگان مطلعند. و اینها همه مستی از خروار است. خدا هیچ مملکتی را مانند ایران گرفتار آخوندهای دژخیم و چپاولگر نکند، والا «تجار محترم» همه مرزها را درمی نوردند. یکی نفت ارزان می جوید، دومی می خواهد گندمهای اضافیش را بفروشد، سومی نبال مشتری برای گویشتهای **مشکوک به آلودگی** است، چهارمی قصد تخلیه ماشینهای باذکرده در انبارهایش را دارد، پنجمی می خواهد به حساب مردم ایران مشکل کسر بودجه یا بیکاریش را حل کند و الی آخر...

در این میان حیرت انگیز **نکته درخور توجه** این که جز شورای ملی مقاومت ایران، هیچ جریانی در این سالیان نه تنها خواهان تحریم سیاسی و اقتصادی و تسلیحاتی این رژیم نبود، بلکه از بقایای **نظام مدفون سلطنتی** گرفته تا بقایای خرده گروههای چپ نما در خارجه و تا میانه بازان و اصحاب دارالتجاره موسوم به نهضت آزادی در داخل کشور، قویاً با این تحریم حقه مخالفت می ورزیدند و تا همین امروز نیز از این خوش خدمتی به رژیم آخوندی دست برنداشته اند، آن چنان که فرزندان خوانده خمینی هنوز هم در کمال وقاحت، در آستانه اجلاس لوکزامبورگ، در مورد تحریمها آشکارا حرف آخوندهای جنایت پیشه را تکرار می کند و می گوید «فشار بیشتر روی مردم ایران نگذارید!» (کریستین ساینس مانیاتور ۵ اردیبهشت).

اما کارزار سیاسی مقاومت ایران برای به زیر کشیدن سیاست گفتگوی انتقادی، تنها به عرصه نظری و تبلیغی محدود نبوده است. شورای ملی مقاومت برای پیشبرد نظر بر حق خود، قدم به قدم به تلاشها و تدابیر عملی دست زده که گزارش همه آنها در این مختصر نمی گنجد. هزاران ملاقات سیاسی همراه با ارائه انبوه اسناد و مدارک، موضعگیریهای روزمره، هزاران نامه و تلگرام و مصاحبه و کنفرانس مطبوعاتی و سلسله یی از تظاهرات بزرگ و کوچک و پیگیریهای اطلاعاتی و امنیتی و ضدتروریستی در این شمارند.

به عنوان مثال وقتی در آذرماه گذشته کیفرخواست دادگاه برلین صادر شد، همه چیز در چارچوب يك آماده باش تمام عیار سیاسی پیش رفت. حکومت آخوندی می خواست با واکنش شدید و دست زدن به اقدامهای مرعوب کننده، مانند صدور فتوای قتل دادستان، ورق را برگرداند. درمقابل، دفتر رئیس جمهور برگزیده مقاومت در آلمان به سرعت وارد کار شد و با برپایی تظاهراتی در پایتخت آن، که هزاران تن از هموطنانمان به علاوه نمایندگان از مجلس آلمان از دو حزب اصلی این کشور در آن شرکت کرده بودند، ابتکار عمل را به دست گرفت و فضا را تغییر داد. پیام این بود که در برابر شانتاژ آخوندی کوتاه آمدن و تسلیم در کار نیست. روزهای بعد آخوندها، از رئیس قوه قضاییه شان گرفته تا امام جمعه های شهرهای دور و نزدیک، هر چه در چنته داشتند، نثارمان کردند.

پس از صدور حکم دادگاه برلین نیز، اجتماع ۲هزار تن از هموطنان در برابر دادگاه به این تحول طنین سیاسی ویژه یی داد و خواست مردم و مقاومت ایران مبنی بر ضرورت اتخاذ تصمیمات سیاسی و تدابیر عملی فوری در برابر تروریسم آخوندی را مطرح ساخت. این حرکت آن قدر بر سرمداران رژیم آخوندی گران آمد که مدتها، در نماز جمعه ها، راهپیماییها و نمایشهای خیابانیشان در سراسر کشور، مدام از دست مجاهدین و مقاومت ایران شکایت می کردند که چرا با «هیا هو» در برابر دادگاه، يك حکم قضایی را به «جنجال سیاسی» تبدیل کرده اند.

از آن زمان تا روز ۹ اردیبهشت و برپایی اجتماع بزرگ هموطنانمان در لوکزامبورگ به هنگام اعلام تصمیمات اجلاس وزیران خارجه اتحادیه اروپا، که ساعتهای متمادی در زیر باران شدید ادامه داشت، دفاتر رئیس جمهور برگزیده مقاومت، نمایندگان شوراهای انجمنها و جوامع تشکیل شده توسط پشتیبانان مقاومت در کشورهای مختلف، به صدها اقدام و ابتکار عملی برای پیشبرد خواستههای اعلام شده مردم و مقاومت ایران دست زدند. این تلاشها، برپایی اجتماعات کوچک و بزرگ و مراجعه هیأتهایی از هموطنان به وزارتخانه های امور خارجه در کشورهای مختلف اروپایی و انجام مصاحبه ها و کنفرانسهای مطبوعاتی - از جمله کنفرانسهای مطبوعاتی بزرگ بن، واشینگتن، بروکسل و رم - و نیز گردهماییهای چشمگیر هموطنانمان در مقابل وزارت خارجه و پارلمان در کشورهای هلند، دانمارک، سوئد، انگلستان را شامل می شدند که گزارشهایشان در رسانه های مقاومت منعکس شده است. به این ترتیب چندین برنامه عملی همراه با موضعگیریهای روزمره در قبال تحولات سیاسی، موج نیرومندی ایجاد کرد که، طبق اظهارات منابع مطلع، در تغییر فضای کشورهای اروپایی - که بر سرشده و ضعف واکنش در برابر رژیم هم نظر نبودند - علیه گفتگوی انتقادی و مباحثات با رژیم و به سود خواستههای مردم و مقاومت ایران، تأثیر جدی داشت. در این مورد کافی است به گزارش کانال ۱ تلویزیون آلمان اشاره کنم که در روز ۱۰ اردیبهشت در گزارش خود از اجلاس لوکزامبورگ، ضمن نشان دادن صحنه هایی از تظاهرات باشکوه هموطنانمان، تصریح کرد که « رابطه با تهران، پس از آن که هزاران تظاهرکننده که از سوی شورای ملی مقاومت بسیج شده بودند، دست به تجمع اعتراضی زدند، قبل از ظهر از روی میز کنفرانس برچیده شد ».

آری، در اثر ایستادگی مقاومت بود که سرانجام همه تحولات داخلی (به ویژه چشم انداز حذف رفسنجانی و بطلان کامل استحاله پذیری رژیم) و تحولات بین المللی در سطح آمریکا و اروپا، علیه رژیم آخوندی سمت و سو گرفت. والا آخوندها سبق می بردند و هرگز به چنین نتایجی (که البته به هیچ وجه کافی نیست) نمی رسیدیم. روشنگریهای مستمر سبب شدند که نظرها نسبت به صحت و حقانیت مواضع مقاومت جلب شود. در خود آلمان صداهای بسیار علیه «گفتگو انتقادی» بلند شد. از جمله می نوشتند که «سیاست گفتگوی انتقادی را باید قطع کرد»، یا «به قراردادهای بسته شده، خون انسانهای بسیاری چسبیده است». يك سال پیش در چنین روزهایی روزنامه هت پارول چاپ هلند - کشوری که اکنون ریاست اتحادیه اروپا را به عهده دارد - نوشته بود: «تنها زمانی می توان به تروریسم بین المللی پایان بخشید که به مقاومت دموکراتیک ایران، که قطبی علیه بنیادگرایی است، شانس داده شود که آخوندهای حاکم بر ایران را از قدرت کنار بزنند. وزیران خارجه در لوکزامبورگ باید بیندیشند که در این دنیای متمدن، نباید به خاطر "شیک و لوکس نمودن نمایی" چنین فرصتی را از دست بدهند» (۳ اردیبهشت ۷۵).

هموطنان،

پیگیری موضوع قطع رابطه با رژیم آخوندی و تحریم این دیکتاتوری مذهبی و تروریستی در سطح بین المللی، یکی از وظایف و افتخارات مقاومت ایران است که دقیقاً از اصالت میهنی، ریشه داری اجتماعی و حقانیت مشی آن مبنی بر سرنگونی قهرآمیز رژیم ضدبشری خمینی ناشی می شود؛ رژیمی که به موازات اعدام و شکنجه و سرکوب، به دزدی و چپاول و غارت هرچه بیشتر سرمایه های ملی ما متکی است و سرمدانش از آغاز حاکمیت آخوندی، بیش از ۲۰۰میلیارد دلار - یعنی تقریباً دو برابر عایدات صد ساله نفت از ابتدای بهره برداری تا انقلاب ضدسلطنتی - را از کیسه ملت به کیسه خود ریخته اند، حال آن که طی همین مدت، توده مردم زحمتکش ایران - به اعتراف کارگزان و منابع خود رژیم - ده بار فقیرتر شده اند و بیش از ۸۰ درصدشان در زیر خط فقر زندگی می کنند.

بنابراین، ایرانی نمایانی که رو در روی مردم و مقاومت ملی و مردمی، با تحریم رژیم و قطع رابطه با آن مخالفت می کنند

و فشار بر رژیم خون آشام و چپاولگر را فشار بر مردم جلوه می دهند، شیادانی هستند که از سرنگونی این رژیم و استقرار جایگزین دموکراتیک هراسانند و منافع حقیر خود را در ادامه سلطه رژیم جستجو می کنند. از این رو توجه هموطنان عزیز، به ویژه اعضا و فعالان مقاومت و پشتیبانان و حامیان شورا در خارج کشور، را به نکات زیر جلب می کنم:

- ۱ - در صحنه سیاسی خواستهای مقاومت مبنی بر ضرورت تحریم رژیم و قطع رابطه با آن، بازگشایی پرونده های ترورها، ارجاع پرونده تروریسم دولتی رژیم به شورای امنیت ملل متحد و محاکمه سردمداران جنایتکار آن در یک دادگاه بین المللی را قویاً پیگیری کنید،
  - ۲ - در هر کشوری که هستید، خواستار اجرای بلادرنگ تصمیمات شورای وزیران اتحادیه اروپا مبنی بر قطع دیدارهای رسمی وزیران، ممنوعیت فروش سلاح، اخراج عوامل اطلاعاتی رژیم و ندادن ویزا به جاسوسان و عوامل اطلاعاتی و امنیتی رژیم شوید و موارد تخلف یا معلق ماندن این تصمیمات را از طریق مطبوعات محلی و خبرگزاریها افشا کنید،
  - ۳ - حضور عوامل وزارت اطلاعات رژیم در هر کشور، امنیت و آزادی هموطنانمان را تهدید می کند و مغایر تصمیم اتحادیه اروپاست. از دبیرخانه و نمایندگیهای شورا در کشورهای مختلف می خواهیم که با معرفی عوامل اطلاعاتی رژیم به مقامهای ذیربط هر کشور، خواهان اخراج بلادرنگ آنان شوند. هم چنین از هموطنانمان می خواهیم که هرگونه اطلاعی را که در این زمینه دارند، به نمایندگیها و دبیرخانه شورا برسانند،
  - ۴ - تروریسم و جاسوسی رژیم قبل از هرچیز از طریق مخدوش کردن مرزبندیهای سیاسی عمل می کند. برای خنثی کردن آن، هرچه بیشتر بر مرزبندی سیاسی و ضرورت افشا و طرد عوامل رژیم و سفارتخانه ها از محافل و اجتماعات هموطنان تأکید کنید،
  - ۵ - تسلیم طلبان و خودفروختگان سیاسی را که برای بازگشت به حاکمیت آخوندی بازارگرمی و تبلیغ می کنند یا به مخالفت با تحریم رژیم و قطع رابطه کشورها با آن دست می زنند، به هر وسیله افشا کنید،
  - ۶ - در همه جا به تبلیغ مواضع شورای ملی مقاومت و ضرورت کمک رسانی به مقاومت و ارتش آزادی بپردازید،
  - ۷ - فراموش نکنید که در شرایط سلطه دشمن، شرف و عزت و سرزندگی و سلامت روحی و جسمی و رشد و ارتقای انسانی و اخلاقی ما به مقاومتیمان در برابر این رژیم ددمنش بستگی دارد. بنابراین اولین وظیفه در مقابل سایر هموطنان این است که آنان را به مقاومت **در برابر رژیم جنایتکار حاکم** و مشارکت و کمک در راستای سرنگونی آن فراخوانید و آنان را در برابر وظایف ملی و میهنی خود قرار بدهید.
- به هموطنان در هر کجا که هستند، بگویید زمان به سود مقاومت است. مرحله جدید راهگشایی که طلایه فرخنده اش حضور رئیس جمهور برگزیده مقاومت در مجاورت مرزهای میهن و در میان رزمندگان ارتش آزادیبخش ملی است، موجب پیشرفت چشمگیر مقاومت در همه زمینه ها شده و سردمداران رژیم را در وحشت فرو برده است. بگویید که حکومت آخوندی، درست در نقطه مقابل مقاومت، جراحی رئیس جمهور بی بدیش را در پیش رو دارد و بیش از پیش در غرقاب بحرانهای درونی و بیرونی فرو خواهد رفت. و مهمتر از همه بگویید که حکومت آخوندی رفتنی است و آفتاب تابان آزادی و حاکمیت مردمی در ایران زمین خواهد درخشید.

مسعود رجوی

۱۱ اردیبهشت ۱۳۷۶